

همایش علمی پژوهشی فقه و حقوق اسلامی

نهاد برگزار کننده همایش: موسسه قانون یار

((با حمایت معنوی مرکز علمی کاربردی سازمان همیاری شهرداری های استان اصفهان))

سر دبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی شماره مجوز: ۹۸/۲۳۵۱-۷۸۸۶۴

سال برگزاری همایش: ۱۳۹۸ شماره مقاله: ۸۸۹۵/۰۵۵۶ رده بندی کنگره: ب ۳۶۱/۲

بررسی آثار تطبیقی بیع فضولی در فقه امامیه و حقوق ایران

سمیرا میرزایی

چکیده

در حقوق ایران، معامله فضولی، معامله ای است صحیح و غیر نافذ که با اجازه مالک تنفیذ می شود. معامله فضولی این است که شخصی برای دیگری یا با مال دیگری، معامله کند بدون این که نماینده یا مأذون از طرف او باشد. شخص معامله کننده را فضول، طرف معامله را اصیل و شخصی که مال او بدون مداخله او مورد معامله قرار گرفته غیر یا مالک می نامند. تنها مالکین یا نمایندگان قانونی آنها (وکیل، ولی، وصی و قیم) می توانند نسبت به انعقاد معامله اقدام نمایند مع الوصف اگر شخصی بدون داشتن مأذونیت و داشتن هر گونه سمتی نسبت به انجام معامله ای برای دیگران اقدام نماید عمل وی فضولی است. این عمل می تواند عقد عهده باشد یا عقد تملیکی به این معنا که فضول برای دیگری تعهد ایجاد کرده باشد یا مال او را به دیگری بفروشد، حال اگر کسی معامله ای نماید بدون اینکه مالک باشد و یا بدون اینکه از مالک نمایندگی داشته باشد در صورت وجود سوء نیست مرتکب بزه انتقال مال غیر شده (که در این حالت نیز روابط حقوقی اشخاص و انتقالات بعدی تابع مبحث بیع فضولی و غصب قانون مدنی می باشد و در صورتیکه دارای سوء نیست نباشد، این معاملات فضولی بوده و نیازمند تأیید مالک می باشند. به همین علت ماده ۲۴۷ قانون مدنی مقرر داشته است که: «معامله به مال غیر جز به عنوان ولایت یا وصایت یا وکالت، نافذ نیست ولو این که صاحب مال باطناً راضی باشد...»

واژگان کلیدی: بیع فضولی، عقد غیرنافذ، اصیل، فضول

بخش اول: کلیات

بند اول: بررسی معنای لغوی

بیع: بیع در لغت به معنای خرید و فروش و داد و ستد است.

فضولی: فضولی در لغت به معنای زیاده کار، افزون کار و انجام دهنده‌ی کار بی ربط است.

بیع فضولی: فروختن متاع و ملک دیگری بدون استرضای او را بیع فضولی گویند.

فقه امامیه: فقه امامیه یکی از مذاهب فقهی در اسلام است.

حقوق ایران: حقوق در ایران برگرفته از حقوق اسلامی و حقوق رومی-ژرمنی (به طور خاص حقوق فرانسه) است. حقوق اسلام حقوق مذهبی است، یعنی قواعد آن از شریعت اسلام گرفته شده است.

بند دوم: بررسی معنای اصطلاحی

بیع در اصطلاح فقهی: ایجاب و قبولی است که بر نقل ملک در مقابل عوض معلوم و متعین دلالت کند.

فضولی: عنوان فضولی در اصطلاح فقه عبارت است از انسان کامل متصدی عقد یا ایقاع که نسبت به متعلق آن دو مالک تصرف نیست. مقصود از کامل، بالغ و عاقل است.

بیع فضولی: بیع فضولی یکی از اقسام معاملات فضولی است. معامله‌ی فضولی معامله‌ای است که شخص بدون داشتن نمایندگی، مال شخص دیگری را مورد معامله قرار می‌دهد.

فقه امامیه: این مذهب از آن رو که پیروان آن از شیعیان دوازده امامی‌اند به فقه شیعه و از آن رو که بسیار به گفته‌های منسوب به جعفر صادق، امام ششم شیعیان، وابسته است به فقه جعفری نیز مشهور است.

حقوق ایران: حقوق ایران ارتباط زیادی با دانش فقه دارد. «قانون مدنی ایران»، که دارای ۱۳۳۵ ماده است، عمدتاً از فقه شیعه اخذ شده است.

بخش دوم: مبانی فقهی بیع فضولی

بند اول: معامله فضولی از منظر فقه

مالک تصرف عبارت است از صاحب مال، در صورتی که به جهت سفاقت و مانند آن ممنوع از تصرف نباشد بنابراین، بالغ عاقلی که نه مالک است و نه ولی و نه وکیل از طرف مالک، چنانچه متصدی عقد یا ایقاعی گردد، مانند آن که مال دیگری را بفروشد و یا اجاره دهد، فضولی نامیده می‌شود. با این بیان، فضولی صفت عاقد است و نه عقد. البته گاهی از روی مسامحه و مجاز، فضولی صفت عقد قرار می‌گیرد که در حقیقت صفت به حال متعلق موصوف است؛ یعنی عقدی که عاقدش فضولی است.

بند دوم: مشروع بودن معامله فضولی

به قول مشهور، عقد و قراردادی که به صورت فضولی اجرا می‌شود، صحیح است؛ لیکن تمامیت آن متوقف بر اجازه مالک تصرف (مالک یا ولی) است و پس از اجازه، همه آثار عقد بر آن مترتب می‌گردد و در صورت رد و نپذیرفتن آن باطل می‌شود. در عدم مشروعیت ایقاعات فضولی ادعای اجماع شده است.

بند سوم: دلیل امامیه بر صحت بیع فضولی

قائلین به صحت از خاصه و عامه ادله‌ای اقامه کرده‌اند که معروفترین آنها قضیه عروه بارقی می‌باشد بدین بیان: نبی اکرم (ص) دیناری به عروه داد تا برای اُضحیه گوسفندی بخرد وی با آن دو گوسفند خرید و در بین راه یکی از آن دو را به یک دینار فروخت و با یک گوسفند و یک دینار به خدمت رسول خدا (ص) آمد، حضرتش عمل عروه را تصویب فرمود با این جمله: «بارک الله لك فی صفقه یمینك».

بند چهارم: تحقق اجازه معامله فضولی

سکوت مالک تصرف، حتی با علم به وقوع عقد و نیز صرف حضور وی در مجلس عقد، اجازه به شمار نمی‌رود؛ بلکه در تحقق اجازه شرط است که لفظ یا فعلی که بر آن دلالت کند، وجود داشته باشد. از دیگر شرایط اجازه آن است که مالک تصرف، قبل از آن، عقد را رد نکرده باشد. در صورت رد، اجازه بعدی کفایت نمی‌کند. اجازه فوریت ندارد؛ از این رو، مالک تصرف، پس از آگاهی از تصرف توسط فضولی، می‌تواند اجازه خود را به تأخیر اندازد و لازم نیست فوری اجازه دهد یا رد کند؛ لیکن در صورتی که تأخیر به اندازه‌ای باشد که طرف مقابل زیان ببیند، وی می‌تواند عقد را برهم زند. در اجازه دهنده شرط است که هنگام اجازه، تصرف وی در مالش جایز باشد؛ بدین معنا که بالغ، عاقل و رشید باشد.

بند پنجم: عدم تحقق اجازه معامله فضولی

رد مالک و اجازه ندادن: چنانچه فضولی مال دیگری را بفروشد و مالک آن را رد کند و اجازه ندهد، در صورتی که فضولی مال را به خریدار تحویل داده باشد، مالک می‌تواند آن را از خریدار باز ستاند و خریدار نیز پولی را که بابت آن به فضولی داده است، پس بگیرد. همچنین اگر خریدار بابت بازگرداندن مال به مالکش متحمل خسارتی شده باشد، می‌تواند آن را از فضولی دریافت کند، به شرط آن که جاهل به واقع باشد و یا فضولی به دروغ مدّعی شده باشد که آن را با اجازه مالک می‌فروشد. لیکن با علم به واقع، نمی‌تواند خسارت پرداختی را از فضولی بگیرد. همچنین بهایی را که بابت آن به فضولی پرداخت کرده، در صورت تلف آن، نمی‌تواند قیمت یا مثل آن را از فضولی مطالبه کند؛ لیکن در صورت عدم تلف و بقای عین آن، آیا می‌تواند آن را از فضولی بگیرد یا نه؟ اختلاف است.

بند ششم: قصد فضولیت

قصد فضولیت شرط تحقق عنوان فضولی نیست؛ از این رو، چنانچه فضولی به گمان داشتن ولایت یا وکالت، مال دیگری را بفروشد، سپس معلوم شود که ولایت یا وکالت نداشته است، مشمول احکام فضولی خواهد بود.

بند هفتم: علم خریدار به فضولی بودن

اگر طرف مقابل، هنگام معامله به فضولی بودن آن علم داشته باشد، نمی‌تواند قبل از اجازه مالک، در مالی که به او تحویل داده شده است، تصرف کند.

بند هشتم: فروش مالک قبل از فضولی

در صورتی که مالک قبل از آگاهی از معامله فضولی و اجازه آن، مال را به دیگری بفروشد، معامله خودش لازم و معامله فضولی باطل می‌شود.

بخش سوم: مبانی حقوقی معامله فضولی

بند اول: معامله فضولی از منظر حقوق

معامله فضولی این است که شخصی برای دیگری یا با مال دیگری، معامله کند بدون این که نماینده یا مأذون از طرف او باشد. در واقع معاملات فضولی معاملاتی هستند که فضول نسبت به مال دیگران انجام می‌دهد اعم از اینکه مال کسی را بفروشد و یا برای کسی مالی را خریداری نماید و یا اینکه بطور فضولی مال شخصی را به دیگران منتقل نماید و یا اینکه مال دیگری را بطور فضولی به خود منتقل نماید.

بند دوم: شرایط اجازه بیع فضولی

برای آن که اجازه غیر، تأثیر کرده و معامله فضولی را کامل و نافذ گرداند باید شرایطی داشته باشد که عبارت است از:

۱. اجازه مالک در صورتی عقد را کامل می‌کند که مسبوق به رد نباشد والا معامله با رد قبلی باطل شده و اجازه بعدی نمی‌تواند به ماهیت حقوقی باطل شده اعتبار بخشد.

۲. اجازه باید در زمان اهلیت اجازه دهنده صادر شود. در صورتی که مالک هنگام اجازه، صغیر، مجنون یا سفیه باشد، اجازه بی‌تاثیر خواهد بود. (۲)

بند سوم: وضعیت و آثار معامله قبل از اجازه و رد

معامله فضولی پیش از آنکه از طرف مالک، تنفیذ یا رد شود باطل نیست ولی صحیح و معتبر نیز نمی‌باشد، بلکه یک عقد غیر نافذ است. ماده ۲۴۷ قانون مدنی می‌گوید: «معامله به مال غیر جز به عنوان ولایت یا وصایت یا وکالت نافذ نیست ولو اینکه صاحب مال باطناً راضی باشد...» تنها اثری که می‌توان برای آن شناخت، الزام اصیل به اجرای مفاد عقد در صورت تنفیذ غیر می‌باشد. معامله فضولی از جانب اصیل که اراده‌اش کامل بوده عقد لازم است. وضعیت عدم نفوذ معامله، مادام که اجازه یا رد صادر نشده است باقی خواهد بود. ماده ۲۵۲ قانون مدنی اعلام می‌دارد: «لازم نیست اجازه یا رد فوری باشد و اگر تأخیر موجب تضییع طرف اصیل باشد مشارالیه می‌تواند معامله را بهم بزند». وضعیت عدم نفوذ معامله فضولی حتی پس از مرگ مالک نیز باقی خواهد ماند. مطابق ماده ۲۵۳ قانون مدنی هرگاه مالک، پیش از اجازه یا رد فوت کند، وارث می‌تواند معامله را اجازه یا رد کند.

بند چهارم: وضعیت و آثار معامله پس از اجازه

هرگاه مالک، معامله فضولی را اجازه کند، معامله کامل شده و آثار حقوقی خود را خواهد داشت. ماده ۲۴۸ قانون مدنی می‌گوید: «اجازه مالک نسبت به معامله فضولی حاصل می‌شود به لفظ یا فعلی که دلالت بر امضای عقد نماید». مانند آن که مالک پس از وقوع معامله فضولی، مال مورد معامله را به اصیل تسلیم کند. طبق ماده ۲۴۹ قانون مدنی «سکوت مالک ولو با حضور در مجلس عقد اجازه محسوب نمی‌شود». هرگاه اصیل، ثمن معامله را به فضول پرداخته باشد، مالک می‌تواند جهت اخذ ثمن به فضول یا اصیل مراجعه کند، چنانچه به اصیل مراجعه کند، اصیل خواهد توانست ثمن پرداختی به فضول را استرداد کند.

بند پنجم: موارد بطلان معامله فضولی

طبق ماده ۲۵۵ قانون مدنی هر گاه کسی نسبت به مالی، معامله به عنوان فضولی نماید و بعد معلوم شود که آن مال، ملک معامله‌کننده بوده است یا ملک کسی بوده است که معامله‌کننده می‌توانسته است از قبل او ولایتاً یا وکالتاً معامله نماید در این صورت نفوذ و صحت معامله موقوف به اجازه‌ی معامل است والا معامله باطل خواهد بود. طبق ماده ۲۵۷ معاملات فضولی اگر عین مالی که موضوع معامله‌ی فضولی بوده است قبل از این که مالک، معامله‌ی فضولی را اجازه یا رد کند مورد معامله دیگر نیز واقع شود مالک می‌تواند هر یک از معاملات را که بخواهد اجازه کند. در این صورت هر یک را اجازه کرد، معاملات بعد از آن نافذ و سابق بر آن باطل خواهد بود.

بند ششم: مسئولیت طرفین عقد فضولی

مطابق ماده ۲۵۹ قانون مدنی: «هر گاه معامل فضولی، مالی را که موضوع معامله بوده است به تصرف متعامل داده باشد و مالک، آن را اجازه نکند، متصرف ضامن عین و منافع بوده است.» در واقع تصرفات متصرف غیر ماذون (از طرف مالک) در حکم غصب است به عبارت دیگر اصیلی که مال مالک را به اذن فضول به تصرف گرفته است ضامن عین و منافع آن تلقی و در واقع غاصب محسوب می‌گردد چه آنکه برابر ماده ۳۰۸ قانون مدنی: «غصب، استیلاء بر حق غیر است به نحو عدوان، اثبات ید مال غیر بدون مجوز هم در حکم غصب است.» ماده ۲۶۱ قانون مدنی در همین رابطه مقرر داشته است: «در صورتی که مبیع فضولی به تصرف مشتری داده شود، هر گاه مالک، معامله را اجازه نکرد مشتری نسبت به اصل مال و منافع مدتی که در تصرف او بوده ضامن است اگر چه منافع را استیفاء نکرده باشد و همچنین نسبت به هر عیبی که در مدت تصرف مشتری حادث شده باشد.» در واقع تصرفات متصرف غیر ماذون غاصبانه بوده لذا ید وی ضمانی بوده و ضامن تسلیم عین و منافع مال می‌باشد حتی اگر از آن استفاده نکرده باشد. ماده ۳۲۳ قانون مدنی اعلام می‌دارد «اگر کسی ملک مغضوب را از غاصب بخرد آن کس نیز ضامن است و مالک می‌تواند بر طبق مقررات مواد فوق به هر یک از بایع و مشتری رجوع کرده و در صورت تلف

شدن آن، مثل یا قیمت مال و همچنین منافع آن را در هر حال مطالبه نماید.» خریدار معامله فضولی همواره حق دارد جهت استرداد ثمن پرداختی به فضول مراجعه نماید و لیکن مطالبه خسارات از فضول مشروط به آن است که خریدار از فضولی بودن معامله اطلاعی نداشته باشد به همین علت ماده ۲۶۲ قانون مدنی مقرر داشته است: «در مورد ماده قبل (زمانی که مالک معامله را رد نموده است) مشتری حق دارد که برای استرداد ثمن عیناً یا مثلاً یا قیمتاً به بایع فضولی رجوع کند.» و در ادامه ماده ۲۶۳ قانون مذکور اعلام می نماید: «هر گاه مالک معامله را اجازه نکند و مشتری هم بر فضولی بودن آن جاهل باشد، حق دارد که برای ثمن و کلیه غرامات به بایع فضولی رجوع کند و در صورت عالم بودن فقط حق رجوع برای ثمن را خواهد داشت.» لازم به ذکر می داند که برابر ماده ۲۶۰ ماده مدنی: «در صورتی که معامل فضولی، عوض مالی را که موضوع معامله بوده است گرفته و در نزد خود داشته باشد و مالک با اجازه معامله قبض عوض را نیز اجازه کند، دیگر حق رجوع به طرف دیگر را نخواهد داشت.» همانند ماده ۶۶۵ قانون که مقرر می دارد: «وکالت در بیع، وکالت در قبض ثمن نیست، مگر اینکه قرینه قطعی دلالت بر آن کند.» فلذا علی الاصول اعلام قبولی معامله فضولی از سوی مالک دلیل بر تأیید قبض عوض نیست مگر آنکه دلیل یا قرینه قطعی نیز بر تأیید قبض عوض وجود داشته باشد.

نتیجه گیری

در معامله کردن به مال غیر شخص معامل باید عنوان ولایت یا وصایت و یا وکالت داشته باشد در غیر این صورت معامله نافذ نیست حتی اگر مالک باطناً راضی باشد. ولی اگر پس از وقوع معامله مالک یا قائم مقام او آن معامله را اجازه دهد آن معامله صحیح است. شخص فضول به علت فقدان اختیار و اجازه نمی تواند برای دیگری معامله کند و مالش را بفروشد. زیرا این شخص هیچ سمتی و اجازه ای از طرف مالک اصلی برای معامله کردن ندارد و اجازه ای هم که مسبوق به رد باشد ارزش و اعتباری ندارد و باطل می باشد. نقش اجازه مالک در این معامله بسیار مهم می باشد. به طوری که اگر مالک قبل از اجازه یا رد فوت نماید اجازه یا رد با وارث است. همچنین اگر شخصی معامله فضولی انجام دهد و بعد

مشخص شود که این مال ملک معامله کننده بوده است در صورتی معامله صحیح می باشد که با اجازه معامل باشد در غیر این صورت باطل می باشد. اگر شخص اصیل آن مورد معامله را تصرف کرده باشد و مالک اجازه مصرف آن را ندهد متصرف ضامن عین و منافع است. که در این صورت برای جبران خسارت باید به فصول مراجعه کند. که در اینجا قضیه دو صورت پیدا می کند:

۱- اگر اصیل عالم به معامله فضولی بوده فقط می تواند پولی که بابت ثمن به فصول داده از فصول مطالبه نماید.

۲- اگر اصیل جاهل به معامله فضولی بوده می تواند هم ثمن معامله را و هم تمام خسارت وارده را از باب غرور از فصول مطالبه نماید.

در نتیجه اجازه مالک در این معامله نقش اصلی را ایفا می نماید. به طوری که اگر اجازه نباشد معامله هیچ ارزشی نخواهد داشت و غیر نافذ خواهد بود.

نقد و نظر

فقها در مورد آثار اجازه معامله فضولی دیدگاه‌های مختلفی ارائه داده و چنین اجازه‌ای را در دو گروه عمده «کشف» و «نقل» طبقه‌بندی کرده‌اند. اکثر فقهای قدیم با تبعیت از نصوص وارده، تقویت کاشفیت اجازه را پیشه نموده‌اند، حال آنکه متأخرین وجه عقلانی ناقلیت را مرجح دانسته‌اند. علاوه بر دو دیدگاه مذکور، برخی از متأخرین شیعه نظریه «کشف حکمی» را بیان داشته‌اند.

الف: معنای کشف

کاشف بودن اجازه به این معنی است که با تحقق اجازه مالک نسبت به بیع فضولی، کشف می شود که بیع فضولی از زمان وقوع آن صحیح بوده است و در پی آن با اجازه لاحق بیع لازم می گردد گویا رضایت مالک از آغاز همراه عقد بوده، و تمام آثار بیع از زمان وقوع بیع فضولی مترتب می گردد.

ب: معنای نقل

ناقل بودن اجازه به این معنی است که پس از وقوع عقد فضولی و تحقق اجازه از مالک بیع فضولی از زمان صدور اجازه صحیح می باشد. و پیش از تحقق اجازه مالک هیچ اثری بر آن مترتب نمی شود و هریک از دونظریه فوق تحت عنوان نظریه های کشف (حقیقی و حکمی) و نظریه نقل مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

نظریه نقل: این نظریه از لحاظ عقلی قابل توجیه است. در این نظریه رضایت مالک، شرط انتقال مالکیت و جواز تصرف در اموال او می باشد. در حقیقت دو نوع کشف وجود دارد:

۱. کشف حقیقی

۲. کشف حکمی

۱. کشف حقیقی: طبق نظرات فقهای امامیه به خصوص قبل از شیخ انصاری، رضایت بر مضمون عقدی است که پیش از اجازه تحقق یافته است و تنها کمبود آن رضایت است، که با اجازه تکمیل می شود. بسیاری از فقها هم کشف حقیقی را خلاف قواعد دانستند، حتی در دوره ای که مشهور فقها قائل به کشف حقیقی بودند.

۲. کشف حکمی: این قول فاصل بین دو قول کشف حقیقی و نقل می باشد. و مبنی بر این استدلال است که عقد بدون رضایت مالک نمی تواند ناقل باشد، همانطور که اجازه به تنهایی نمی تواند ناقل قرار گیرد. کشف حکمی یعنی اجرای احکام کشف به اندازه امکان، در حالیکه نقل مالکیت پس از اجازه حاصل می شود. لذا نظر کشف حکمی که جمع بین این دو است مناسب به نظر می رسد. همچنین از ماده ۲۵۸ قانون مدنی که ثمره عملی تشخیص نظریه کشف و نقل را بیان کرده است می توان نتیجه گرفت که نظر ماده مزبور هم کشف حکمی می باشد نه کشف حقیقی، زیرا اجازه را تنها از جهت منافع، از روز عقد موثر دانسته است. در واقع منافع مورد معامله در عقد فضولی اثر کشفی و قهقراپی دارد. به عنوان مثال علی که به عنوان شخص فضول است مال حسن را در تاریخ ۱۳۹۲/۱/۱

به جواد می فروشد. بعد از یکسال در تاریخ ۱۳۹۳/۱/۱ مالک اصلی مال (حسن) معامله را تنفیذ می کند. در طی این یکسال منافع مال مورد معامله فضولی از روز عقد برای خریدار مال فضولی یعنی جواد می باشد ولی خود عین مال از روز تنفیذ معامله برای خریدار انتقال داده می شود.

پیشنهادهات

به علت مهم بودن نقش اجازه مالک در صحت معامله و تاثیر فقدان آن در غیر نافذ بودن معامله:

طبق نظر فقهای امامیه و حقوق اسلام احتمال اینکه ضرری فاحش هر یک از طرفین عقد را تهدید کند بسیار است و بهتر است اکثر مردم و عقلا از این ضرر فاحش در مقام عمل دوری کنند و دست به معامله نزنند، و فرق نمی کند که این ضرر احتمالی حاصل از جهل بر مورد معامله و و یا علم بر معامله فضولی باشد زیرا در صورت فقدان اجازه مالک این معامله در حکم معامله غری می باشد و باطل است.

منابع و مأخذ

قرآن کریم و بعد

الف) کتب فارسی

۱- امامی، حسن، حقوق مدنی، چاپ سوم، تهران، انتشارات اسامی، ۱۳۴۰ ش

۲- انصاری، مسعود و طاهری، محمدعلی، دانشنامه حقوق خصوصی، چاپ اول، تهران، انتشارات محراب فکر، ۱۳۸۴ ش

۳- دهخدا، علی اکبر، تهران، ۱۳۴۱ ش

۴- شهیدی، مهدی؛ حقوق مدنی ۳ تعهدات، چاپ چهارم، تهران، انتشارات مجد، فروردین، ۱۳۸۳ ش

۵- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، چاپ پنجاه و دوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۶ ش

ب) کتب عربی

۱- انصاری، مرتضی، المکاسب، چاپ نهم، انتشارات دارالحکمه، ۱۳۹۸

۲- آوی، فاضل، کشف الرموز

۳- ابن رشد، محمد ابن احمد، بدایه المجتهد، چاپ قاهره

۴- بحر العلوم، محمد، بلغة الفقیه

۵- بحرانی، یوسف ابن احمد، حدائق الناضره،

۶- حلی، حسن ابن یوسف، تذکره الفقها

۷- سبزواری، عبدالعلی، مذهب الاحکام

۸- شربینی خطیب، محمد، مغنی المحتاج، چاپ مصر، ۱۳۵۲

۹- طوسی، محمد ابن حسن، الخلاف،

۱۰- عاملی، شمس الدین محمد ابن مکی، (شهید اول) لمعه، مصحح: شیخ حسن فاروبی

تبریزی، انتشارات دارالتقیه، چاپ سوم، قم، ۱۳۸۲

۱۱- معلوف، لویس، المنجد، مترجم: محمد بندریگی، ناشر: ایران، چاپ سوم، ۱۳۸۰

۱۲- مروج جزائری، محمد جعفر، هدی الطالب

مرکز آموزش ملی-کاربردی
سازمان همیاری شهرداری های
استان اصفهان

بنیاد علمی قانون یار برگزار می کند

با همکاری و حمایت معنوی
مرکز آموزش علمی- کاربردی سازمان همیاری شهرداری های استان اصفهان

همایش ملی

علمی- پژوهشی فقه و حقوق اسلامی

دکتر بهنام اسدی

محرور های همایش:
پدپرش مقاله در تمامی زمینه های علوم تربیتی و روان شناسی (تمامی گرایش ها)، برنامه ریزی درسی علوم مشاوره، فلسفه تعلیم و تربیت، آموزش و پرورش، آموزش الکترونیک، برنامه ریزی آموزش عالی علوم اجتماعی، فرهنگ هنر (تمام گرایش ها)، ارتباطات اسلامی و سایر موضوعات مرتبط با علوم انسانی

مسئول برگزاری

دکتر سعید خردمندی

دبیر اجرایی همایش،
دکتر امین امیریان فارسانی
رئیس هیات داوران،
دکتر سعید سامانی مجد
رئیس شورای سیاست گذاری،
دکتر سعید خردمندی

۱۵ بهمن ماه ۱۳۹۸

اصفهان

سالن اجلاس دانشگاه

جهت چاپ مقالات خود در دیگر همایش های قانون یار
کافیست فایل word مقاله خود را به همراه
شماره تماس به آدرس ایمیل زیر ارسال نمایید
phdsara@yahoo.com
ارسال مقاله در واتس آپ یا تلگرام به شماره
09100636002
همایش های علمی و پژوهشی، هر ساله در دو نوبت برگزار می شود

پایگاه های نمایه کننده مقالات همایش

www.olomensani.IR

دبیرخانه همایش: تهران، میدان انقلاب، خ میری جاوید، کوچه مینا، پلاک ۲۹، طبقه سوم
واحد مشاوره ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹ - ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۲۶ واحد صدور مدرک ۰۲۱۴۴۴۴۱۷۶۴